

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۸۲۵/۱۵۵ رده بندی کنگره: ج ۸۲۳/۲

بررسی و مطالعه راه کارهای حمایت از بزهدیدگان در سیاست

جنایی ایران از دیدگاه اسلام و اسناد بین الملل

محبوبه کهزادی باصری^۱

کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی فارغ التحصیل دانشگاه آزاد واحد لارستان

معصومه کهزادی باصری

دانشجوی کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد واحد خوراسگان

چکیده

راه کارهای حمایت از بزهدیدگان در سیاست جنایی اسلام و اسناد بین الملل، از مباحث جدید حقوق جزاست که روش های حمایت از قربانیان جرم، به ویژه جرایم قتل عمد و شبه عمد را بیان می کند. این مقال با رویکرد نظری و تحلیلی و با هدف تبیین و تحلیل موقعیت حقوقی بزهدیدگان و سازوکارهای تضمین آن با رویکرد فقهی - حقوقی است. حاصل سخن اینکه، نگرش کلی سیاست جنایی اسلام حمایت از بزهدیدگان، تثبیت موقعیت حقوقی آنان و جبران خسارت های مادی و معنوی آنها از طریق نهادهایی همچون عاقله، اقارب، و بیت المال است. سازمان ملل نیز با تأثیرپذیری از جنبش های حمایت از بزهدیدگان، قوانینی را در جهت حمایت از بزهدیدگان وضع نموده و تدابیری را برای اجرای آن در نظر گرفته است، اما بنا به دلایلی در عمل چندان موفق نبوده است.

کلیدواژه ها: بزهدیده، سیاست جنایی، مبانی حمایت، اسناد بین الملل.

بررسی حقوق کیفری حکایت از آن دارد که پژوهش‌های جرم‌شناسان و مسائل حقوق جزا بیشتر بر عناصری همچون جرم، مجرم و مجازات متمرکز بوده است و در نتیجه، قربانی جرم که در دوره انتقام خصوصی، نقش محوری را در فرایند تعقیب و مجازات مجرم بر عهده داشت و دفاعیات اصلی را در محاکمات ایفا می‌نمود، با گسترش دوره دادستان عمومی از نظر دور مانده و اهمیت خود را در مراحل مختلف عدالت کیفری از دست داده و حمایت از حکمرانان و دولت‌ها جایگزین آن گردیده است. به تعبیر یکی از اندیشمندان عرب، این مسئله که بسیاری از قوانین جزایی با سر فصلی تحت عنوان «جرائم علیه دولت» آغاز می‌شود یک امر اتفاقی نیست،^۱ بلکه نشان از افول و تضعیف پایگاه حقوقی بزه‌دیدگان و توجه بیشتر به منافع دولت‌ها و حمایت از آنها دارد.

امروزه با ظهور پدیده بزه‌دیده‌شناسی شاهد رویکرد متفاوتی نسبت به قربانیان جرم در گذشته می‌باشیم. در این سیاست جدید، چشم‌انداز نوینی تحت عنوان «حمایت از بزه‌دیدگان و نقش آنان در تحقق پدیده مجرمانه» ظهور کرده است. در این رویکرد، بزه‌دیده نه مانند دوره انتقام خصوصی نقش محوری دارد و نه مانند دوره دادگستری عمومی از گستره سیاست جنایی خارج شده است، بلکه به عنوان یکی از عناصر جرایم در قبال دیگر ارکان آن (جرم و مجرم) دارای موقعیت حقوقی است. در یک تقسیم‌بندی کلی، مبحث بزه‌دیده‌شناسی به دو بخش علمی و حمایتی تقسیم می‌گردد. بزه‌دیده‌شناسی علمی (بررسی نقش بزه‌دیده در پیدایش جرم) و حمایتی، هر کدام نیازمند بحث تفصیلی مستقل است، اما در این پژوهش، حمایت از بزه‌دیدگان و جبران خساراتی که در نتیجه وقوع جرم متحمل شده‌اند، و راه کارهایی که در سیاست جنایی اسلام و اسناد بین‌المللی در نظر گرفته شده است مورد بحث قرار می‌گیرد. بدون تردید، قربانی جرم از نظر روانی،

اجتماعی، حقوقی و...، آسیب‌های جدی دیده است و از این‌رو، باید مورد حمایت پزشکی، روانی و حقوقی قرار گیرد؛ اما بی‌گمان مهم‌ترین حمایت، حمایت اقتصادی، یعنی جبران خسارت بزه‌دیده است. در این مقاله به این سؤال اساسی پاسخ داده می‌شود که سیاست جنایی اسلام چه حمایت‌هایی از جبران خسارت بزه‌دیده ارائه داده است و حمایت از بزه‌دیدگان در جامعه بین‌المللی چه جایگاهی دارد؟

پیشینه علمی موضوع

اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان، پس از جنگ جهانی دوم تحت عناوین گوناگونی همچون «حق مطالبه ضرر و زیان در ضمن طرح دعوای کیفری و جبران خسارت بزه‌دیده» وارد حقوق موضوعه شد. اقدامات برخی دانشمندان، از جمله وان بی میلین (Van bemmeilen) و مراگری فرای (Margery fry) و متعاقب آن، ارائه منشور حقوق قربانیان اعمال مجرمانه توسط آندره نورماندو (normanadeauAndre) نقش مؤثری در گسترش جنبش حمایت از بزه‌دیدگان داشت و موجب گردید که بانیان مکتب دفاع اجتماعی به رهبری مارک آنسل به تقویت، تداوم و غنی‌سازی طرح حمایت از بزه‌دیده پردازند.

مارک آنسل در این زمینه می‌نویسد: «نتیجه منطقی این افکار در توجه به تضمین هر چه بیشتر حقوق زیان‌دیده از جرم و تأمین مؤثر جبران خسارت از وی، متجلی می‌شود؛ چه در واقع، شکایت قانونی زیان‌دیده علیه مجرم - که اغلب اوقات نیز معسر است - آن هم در صورت امکان دست‌یابی به وی، برای جبران خسارت کافی نیست. بدین جهت است که قانون‌گذاران در کشورهای مختلف به اتخاذ تدابیر گوناگون و مؤثر برآمده‌اند که در اینجا

به عنوان نمونه می‌توان به بیمه اجباری رانندگان اتومبیل اشاره نمود. بعدها برخی از کشورها با ایجاد یک بخش ویژه مددکاری و امکان طرح دعوی زیان‌دیده از جرم علیه دولت یا یک نهاد دولتی، امکان جبران خسارت واقعی مجنی‌علیه را فراهم ساخته‌اند»^۱

تحولات قوانین جزایی بسیاری از کشورها در جهت حمایت از بزه‌دیده و تأسیس سازمان‌ها و انجمن‌های خیریه، مؤید اوج شکوفایی و موفقیت جنبش‌های حمایت از بزه‌دیده است. تبیین بیشتر این مطلب نیازمند ذکر تحولات یاد شده در آمریکا و اروپاست.

جنبش حمایت از بزه‌دیدگان در آمریکا

همزمان با ظهور جنبش‌های حمایت از حقوق زنان در سال ۱۹۶۰، جنبش حمایت از حقوق بزه‌دیدگان، نقش‌بنیادین را در تحولات نظام کیفری معاصر کشور آمریکا ایفا نمود. این جنبش در ابتدا با تقاضای تدوین قوانین در جهت جبران خسارت بزه‌دیده حرکت نمود و سپس خواهان کاهش آثار ضربات شکننده روحی دادگاه‌ها بر بزه‌دیدگان شد. بدین‌سان، تا سال ۱۹۸۶، تحولات اساسی در مورد حقوق بزه‌دیدگان در کشور آمریکا ایجاد گردید. در پی آن، بیشتر ایالات قوانین مشخصی را در خصوص بزه‌دیدگان و تأمین حقوق آنان تصویب نمودند که در واقع منعکس‌کننده و پاسخ‌گوی پیشنهادهای سنجش ویژه ریاست جمهوری بود و امروزه تقریباً ۹۰ درصد ایالات متحده، قوانین خاصی برای جبران خسارت قربانیان جرایم دارند.^۲

از همین‌رو، پروفیسور دونالد مدعی است که پدیده حقوق بزه‌دیدگان در حال حاضر در نظام عدالت کیفری آمریکا، یک جزء تکامل‌یافته می‌باشد و حتی حساسیت مسئله توجه به

^۱ مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۵۱

^۲ عبدالعلی توجهی، «جایگاه حمایت از بزه‌دیدگان در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، مجتمع آموزش عالی قم ۹،

قربانیان جرایم در دولت مرکزی و تعدادی از ایالات به اوج خود رسیده است. به علاوه، بسیاری از قوانین موجود با موضوع جبران خسارت بزه‌دیدگان، ارتباط اساسی دارند.

واقعیت امر این است که هرچند در آمریکا، سازمان‌ها و مؤسسات دفاع از حقوق بزه‌دیدگان تحولاتی را در سیاست جنایی این کشور مبنی بر حمایت از حقوق بزه‌دیدگان ایجاد نمودند، ولی با اندک تأمل روشن می‌شود که غالب این تغییرات، تغییراتی در قوانین شکلی است تا ماهوی؛ زیرا بر اساس نظام دادرسی کیفری آمریکا، به بزه‌دیدگان اجازه داده شد که با ادامه لایحه و ایراد خطابه در مرحله دادرسی از حقوق تضییع شده خود دفاع نمایند. اما اینکه جبران خسارت بزه‌دیده و تأمین‌عادلانه ضرر و زیان وارد بر او از چه طریق تأمین گردد و کدام نهاد دولتی یا غیردولتی - در صورت در دسترس نبودن بزه‌کار - مسئول آن می‌باشد، قوانین مدون و روشنی وجود ندارد.^۱

حمایت از بزه‌دیدگان در اروپا

کشورهای اروپایی به دلیل اینکه خاستگاه حمایت از بزه‌دیدگان و جنبش‌های مربوط به آن بوده‌اند، حرکت‌های مؤثری در جهت حمایت از حقوق بزه‌دیدگان و تأمین خسارات آنان انجام دادند.

تدوین کنوانسیون اروپایی که در ۲۴ نوامبر ۱۹۸۳ در استراسبورگ فرانسه به تصویب رسید نمونه‌ای از اقدامات عملی حمایت از بزه‌دیدگان در اروپاست.^۲

^۱ اندرو آلتمن، درآمدی بر فلسفه حقوق، ۱۳۸۵، ص ۱۷۴

^۲ عبدالعلی توجهی، «جایگاه حمایت از بزه‌دیدگان در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، مجتمع آموزش عالی قم ۹،

این کنوانسیون حاوی نکات مهم در مورد بزه‌دیدگان و نحوه جبران خسارات آنان می‌باشد. ماده ۲ کنوانسیون مقرر می‌دارد:

۱. وقتی که ترمیم کامل خسارات به وسیله سایر منابع، قابل تضمین نیست، دولت باید به خسارت‌زدایی از افراد زیر اقدام نماید:

الف. کسانی که متحمل لطمات شدیدی علیه جسم یا سلامت خود شده‌اند، مشروط به اینکه مستقیماً از یک جرم عمدی خشونت‌آمیز ناشی شده باشد.

ب. کسانی که تحت تکفل شخصی بوده‌اند که پس از ارتکاب جرم علیه او، فوت شده است.

۲. خسارت‌زدایی پیش‌بینی شده در بند قبلی، حتی اگر مبانی جرم قابل تعقیب یا مجازات هم نباشد، انجام می‌شود.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، پیش‌بینی تأمین خسارت توسط دولت، به ویژه در مواردی که مرتکب جرم به عللی (از جمله فوت) قابل تعقیب نیست، یا به خاطر صغر و جنون قابل مجازات نمی‌باشد، یکی از راه کارهای مهم در جهت حمایت از بزه‌دیدگان به شمار می‌رود. از امتیازات دیگر این کنوانسیون ذکر موارد جبران خسارات است. ماده ۴ کنوانسیون یاد شده، خسارت‌زدایی را شامل مواردی از قبیل هزینه‌های پزشکی، مخارج کفن و دفن، درآمدهای از دست رفته و مانند آن می‌داند.

در میان کشورهای اروپایی، فرانسه نقش بارزتری را در جهت حمایت از حقوق بزه‌دیدگان، ابعاد مختلف مساعدت، و ایجاد انجمن‌های حمایت از آنان، نسبت به سایر کشورها دارد. در پی همین تلاش‌ها بود که در سال ۱۹۸۲، دفتر حمایت از همه قربانیان

جرائم، در دادگستری فرانسه تأسیس شد و زمینه‌ای برای تصویب قانونی در هشتم ژوئیه ۱۹۸۳، تحت عنوان «قانون تحکیم حمایت از بزه‌دیدگان» فراهم آمد.^۱

طبق تحلیل یکی از اندیشمندان، این قانون مداخله بزه‌دیدگان را در دعاوی کیفری و تسهیل و جبران خسارت آنان را بخصوص با توسعه موارد اخذ خسارت و ساده کردن آیین دادرسی تضمین کرده است.^۲

واژه‌شناسی

مفهوم بزه‌دیده

اصطلاح بزه‌دیده در زبان فارسی معادل عربی واژه‌های قربانی، مجنی‌علیه و زیان‌دیده می‌باشد.^۳ در انگلیسی، واژه «Victim» (قربانی) به همین معنا به کار رفته است. این مفهوم، در ادبیات بحث جرم‌شناسی و کتاب‌های حقوقی، تعریف‌های متفاوتی را داراست، اما در مجموع می‌توان آنها را به تعریف موسع و مضیق دسته‌بندی کرد. در رویکرد اول، بیشتر به ورود ضرر و خسارت به دیگری توجه شده است تا به منشأ ایراد ضرر و علل و عوامل جرم. مطابق این دیدگاه، بزه‌دیده کسی است که یک خسارت قطعی، آسیبی بر تمامیت شخص او وارد کرده است، به گونه‌ای که بیشتر افراد جامعه به آن اذعان دارند.^۴ در تعریف مضیق، بعکس تعریف موسع، خاستگاه آسیب جرم و منشأ ایراد خسارت کانون توجه است.

^۱ مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ص ۱۵۲

^۲ عبدالعلی توجهی، «جایگاه حمایت از بزه‌دیدگان در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، مجتمع آموزش عالی قم، ۹

ص ۵۹

^۳ علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ۱۳۷۷، ج ۱۱ و ۱۳، ص ۲۰۳۳۵

^۴ ژینا فیلزولا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ۱۳۷۹، ص ۹۶

ماده ۱ بخش الف اعلامیه «اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان جرم» مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۸۵) با توجه به همین ویژگی، بزه‌دیده را چنین تعریف می‌کند: «بزه‌دیدگان اشخاصی‌اند که در پی فعل‌ها یا ترک فعل‌های ناقص قوانین کیفری دولت‌های عضو - از جمله قوانینی که سوءاستفاده‌های مجرمانه از قدرت را ممنوع کرده‌اند - به صورت فردی یا گروهی به آسیب - از جمله آسیب بدنی و روانی - درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده‌اند».

هرچند ما درصدد ارزیابی و نقد تعریف‌های صورت گرفته نیستیم، ولی به این مطلب اشاره می‌کنیم که برخلاف نظریه برخی اندیشمندان^۱ - که دو تعریف را مقابل هم می‌دانند - تعریف موسع و مضیق با هم پیوند دارند و بر اساس هر دو تعریف، بزه‌دیده به فردی اطلاق می‌شود که به نحوی از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان مادی یا معنوی شده باشد؛ زیرا در هر دو تعریف علاوه بر ذکر خاستگاه ضرر و زیان فعل و ترک فعل، به متضرر شدن افراد نیز اشاره دارد. در نتیجه، کسانی که بر اثر جرایم ناقص مانند شروع به جرم، جرم محال و جرم عقیم خسارت مادی و معنوی ندیده‌اند، بزه‌دیده به شمار نمی‌آیند. بر این اساس، بهتر است بزه‌دیده چنین تعریف شود: بزه‌دیده شخصی است حقیقی یا حقوقی که در پی وقوع جرم متحمل ضرر و زیان مادی یا معنوی شده است و نیاز مبرم به تأمین خسارت و جبران ضرر و زیان دارد.

جرم‌شناسان با توجه به روابط بین بزه‌کار و بزه‌دیده، بزه‌دیدگان را به انواع گوناگونی مانند بزه‌دیده پنهان، بزه‌دیده محرک، بزه‌دیده بی‌گناه و... از جمله بزه‌دیده بالقوه تقسیم کرده‌اند. زنان، کودکان، پیران، افتادگان جامعه، نیازمندان و فقیران و تمامی اشخاصی که

^۱ احمد حاجی ده‌آبادی، «از جبران خسارت بزه‌دیده توسط بزه‌کار...»، فقه و حقوق ۹، ص ۹۵

بیش از دیگران در معرض آسیب‌پذیری قرار دارند. در این نوع و تعریف از بزه‌دیده (بزه‌دیده بالقوه)، قرار دارند.^۱ از سوی دیگر بر اساس آموزه‌های دینی در جامعه اسلامی هیچ فقری وجود ندارد، مگر اینکه توانگری حق او را از وی بازدارد. بدین ترتیب نیازمندان جامعه که در فقر زندگی می‌کنند و امکانات رفاهی در اختیار ندارند، به نحوی آسیب دیده‌اند، از این رو، می‌توان آنها را جزو بزه‌دیدگان بالقوه به حساب آورد.

سیاست جنایی اسلام

سیاست جنایی به مجموعه اقدامات کیفری اطلاق می‌شود که اسلام برای ایجاد عدالت کیفری و تضمین حقوق مادی و معنوی افراد جامعه و جلوگیری از ظلم اتخاذ کرده است. به تعبیر دیگر، سیاست جنایی اسلام، عبارت است از راه‌کارهای کلی که اسلام برای اجرای قوانین کیفری و عملی شدن آن در نظر گرفته است؛ مانند دستگاه قضایی و مجموعه‌های وابسته به آن، بیت‌المال، عاقله و امور حسبه.^۲

بنابراین، مراد از سیاست جنایی، خطوط کلی موازین و معیارهای عمومی هدف‌داری است که با استفاده از منابع اصلی (کتاب و سنت) استخراج شده‌اند. بر این اساس، می‌توان به سامان‌دهی و ساختار عدالت کیفری، که یکی از مصادیق بارز آن حمایت از قربانیان جرم است، پرداخت.

مبانی حمایت از بزه‌دیده

مبنا در اصطلاح حقوق‌دانان عبارت است از اصل یا قاعده کلی که نظام حقوقی مبتنی بر آن باشد و مقررات حقوقی بر اساس آن وضع گردد. به اصول و قواعدی که در حقوق

^۱ ژینا فیلزولا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ص ۵۳

^۲ عباس کعبی، جزوه درس «قضا»، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶-۱۳۸۷

می‌تواند چنین نقشی داشته باشد و معیارهای کلی دیگر نیز بر آن مبتنی باشد، در اصطلاح، مبانی حقوق گفته می‌شود.^۱

پیش از پرداختن به حقوق بزه‌دیدگان و کیفیت حمایت آن، طرح این سؤال ضروری است که اساساً مبانی طرح حمایت از بزه‌دیده چیست و بر اساس چه اصل یا اصولی استوار است؟ با توجه به اینکه بزه‌دیده در مبحث بزه‌دیده‌شناسی علمی در تحقق بسیاری از جرایم نقش داشته و مقصر است، حمایت از وی چه توجیه شرعی و قانونی دارد؟

طراحان حمایت از بزه‌دیدگان، مبانی را در این زمینه یادآور شده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

مبنای هنجاری

برخی اندیشمندان به ابعاد ارزش حمایت از بزه‌دیدگان در جامعه اشاره نموده و معتقدند: حراست و پاس‌داری از ارزش‌های یک جامعه سرلوحه حقوق جزا قرار دارد و اصولاً از اهداف بنیادین سیاست جنایی محسوب می‌شود؛ زیرا حمایت از نیازمندان، مستضعفان و به ویژه بزه‌دیدگان، جزو ارزش‌های جوامع است و از این‌رو، حمایت از آنان مبنای ارزشی دارد: «حمایت از قربانیان جرم و کمک به آنان باید بخشی از ارزش‌های اساسی جامعه محسوب شود. تعهدات هر جامعه نسبت به بزه‌دیدگان باید از نظر اعتقادی، در اعماق نظام کلی آن جامعه ریشه بگستراند. از این‌رو، ایجاد منابع قانونی که حقوق بزه‌دیدگان از آنها سیراب شود اهمیتی بسزا دارد.^۲

^۱ پژوهشکده حوزه و دانشگاه، درآمدی بر حقوق اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۹

^۲ عزت عبدالفتاح، «از سیاست مبارزه با بزه‌کاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده»، قضایی و حقوقی دادگستری، ۳، ص ۸۹

کوتاهی دولت‌ها در جلوگیری از پدیده مجرمانه

عده‌ای دیگر، خاستگاه حمایت از بزه‌دیده را در ناتوانی حکومت‌ها در جلوگیری از جرایم می‌دانند. در همین زمینه، ریموند گسن می‌نویسد: جنبش حمایت از بزه‌دیده بر اثر ناتوانی جوامع غربی در پیش‌گیری از رشد صعودی و مداوم بزه‌کاری در ۲۰-۳۰ سال اخیر به وجود آمده است، به گونه‌ای که بر اثر فقدان قدرت عمل در مورد عمل جرم، تنها چاره ممکن، حمایت از بزه‌دیدگان و تخفیف اثرات پدیده مجرمانه عنوان شده است.^۱ بر اساس این نظریه، مبنای حمایت از بزه‌دیده را قصور دولت تشکیل می‌دهد؛ زیرا بدون تردید یکی از اهداف اساسی دولت‌ها ایجاد نظم، و حراست از امنیت، حقوق، آزادی و حیات شهروندان است.

الغای نظام کیفری

مبنای دیگری که در توجیه حمایت از بزه‌دیدگان ذکر شده این است که حمایت از بزه‌دیده و تأمین خسارت‌های وارد بر او نقش مؤثری در الغای حقوق کیفری دارد. جنبش مبارزه با حقوق کیفری را که پروفسور هلندی لوک هولسمن بنیان نهاد، در سه مرحله کیفرزدایی، اتهام‌زدایی و در نهایت، الغای سیاست کیفری، به مبارزه با حقوق جزا برخاسته است. بر اساس این دیدگاه، نهاد حمایت از بزه‌دیدگان و جبران خسارت فوری آنها از طریق مصالحه و قطع خصومت غیر قضایی، سیاست کیفری و حقوق جزا را به حاشیه می‌راند.^۲

^۱ ریموند گسن، مقدمه بر جرم‌شناسی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۸

^۲ ک. ژانی پرادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ص ۱۴۲ و ۱۴۴

پیش‌گیری از جرم

برخی اندیشمندان مبنای حمایت از بزه‌دیده را در کاهش بزه‌کاری جست‌وجو کرده و چنین گفته‌اند: «حمایت از بزه‌دیده، گذشته از ابعاد ارزشی آن، نقش مؤثری در پیش‌گیری از بزه‌کاری دارد؛ زیرا هم از بزه‌دیدگی مکرر جلوگیری می‌نماید و هم مانع تبدیل بزه‌دیده به یک انسان بزه‌کار می‌شود. در نتیجه، همان‌گونه که مساعدت پزشک در درمان بیمار، حتی مریضی که در مریض شدن خود دخالت داشته است، عملاً تلاش برای از بین بردن خطر آن بیماری و سالم‌سازی جامعه است، حمایت از بزه‌دیده نیز در نهایت به تقلیل آمار جرایم می‌انجامد»^۱. بر اساس این دیدگاه، حتی اگر بزه‌دیده در تحقق جرم و بزه‌دیدگی خویش نقش هم داشته باشد حمایت از وی امری عقلایی و ارزشمند است؛ زیرا از یک‌سو، این حمایت و تأمین ضرر و زیان، او را از بزه‌دیدگی مکرر که ناشی از ناتوانی و بزه‌دیدگی نخست‌اوست مصون می‌نماید و از سوی دیگر، مانع انتقام‌های فردی و کنش خودسرانه و گسترش بزه‌کاری می‌شود. طبق این مبنای، حمایت از بزه‌دیدگان یکی از شیوه‌های پیش‌گیری از جرم است. تحقیقات نشان داده است که اولاً، کسانی که یک بار در معرض بزه‌دیدگی واقع شده‌اند، به راحتی برای دفعات بعد، قربانی جرم می‌شوند^۲. ثانیاً، نیاز این افراد به توجه و پشتیبانی بیش از سایر اقشار است؛ چراکه صدمات ناشی از جرم باعث خواهد شد تا بزه‌دیدگان امروز به بزه‌کاران فردا بدل شوند. این موضوع در مورد زنان و کودکان بیشتر قابل توجه است. آموزش‌روش‌های مقابله با زمینه‌های جرم‌زا و اتخاذ سیاست‌های کارآمد، مشترک و هماهنگ برای این‌گونه افراد، از تکرار بزه‌دیدگی جلوگیری می‌کند.

^۱ عبدالعلی توجهی، «سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیدگان»، مجتمع آموزشی عالی قم ۴، ص ۳۲.

^۲ محمدصالح مفتاح، بایسته‌های پیش‌گیری از وقوع جرم، به نقل از: سایت باشگاه اندیشه، www.andishe.net.

مبنای عقیدتی

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین مبانی طرح حمایت از بزه‌دیدگان، گذشته از اصول و مبانی دیگر، مبنای فلسفی و ایدئولوژیک است؛ زیرا حمایت از مظلوم و دفاع از بزه‌دیده‌ای که مورد تعدی قرار گرفته است، در همه مکاتب الهی، به ویژه اسلام، جایگاه ویژه داشته و اصولاً بنیان حقوق جزا را تشکیل می‌دهد. از منظر اندیشه بنیادین اسلام، حمایت از بزه‌دیده، خواه در قالب حمایت‌های قانونی و قضایی و خواه در ضمن حمایت‌های مادی و معنوی باشد، از اساسی‌ترین تکلیف شرعی است که رستگاری و خشنودی خداوند را فراهم می‌آورد.

قرآن کریم در آیات متعددی به حمایت از بزه‌دیدگان فرامی‌خواند؛ برای نمونه می‌فرماید: «چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد ستم‌دیده‌ای که می‌گویند: خدایا ما را از این شهر (مکه) که ستمگرند، بیرون بر و برای ما از طرف خود سرپرست قرار بده و از طرف خود برای ما یار و یاور تعیین فرما»^۱

حمایت از بزه‌دیدگان و تأمین خسارت‌های آنان، در حکومت نبوی و احادیث شریفی که از ناحیه معصومان علیهم‌السلام وارد شده، نیز از جایگاه خاصی برخوردار است، به گونه‌ای که در کتب روایی باب ویژه‌ای تحت عنوان «باب نصر الضعفاء و المظلومین»^۲ بدان اختصاص داده شده است. حمایت‌هایی که از اقشار آسیب‌پذیر جامعه در صدر اسلام به عمل می‌آمد اختصاص به یک جنبه نداشت، بلکه ابعاد وسیع از حقوق و نیازهای آنان را فرامی‌گرفت؛ از حمایت‌های قضایی و تقنینی گرفته تا حمایت‌های مالی و

^۱نساء: ۷۵

^۲محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۱۷۰

روانی؛ مانند اختصاص دادن مقداری از بیت‌المال برای پیران. امیرمؤمنان علیه‌السلام پیرمرد از کارافتاده‌ای را دید که از مردم کمک می‌خواست، حضرت پرسید: او کیست؟ گفتند: فردی نصرانی است. حضرت فرمود: از او کار کشیدید تا پیر و عاجز شد و اکنون او را محروم می‌کنید؟ از بیت‌المال به او کمک کنید.^۱

یکی از راه‌های تأمین عدالت اجتماعی، پیش‌گیری از جرم و حمایت از بزه‌دیدگان، فقرزدایی و کمک مالی به محرومان است. این امر، هم در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و هم در زمان امام علی علیه‌السلام به صورت جدی پیگیری و اجرا می‌شد. از این‌رو، امام علی علیه‌السلام به مالک‌اشتر سفارش کرد که به وضع پابرهنگان و فقیران جامعه رسیدگی نماید و مخارج آنان را تأمین کند: «خدا را! خدا را! [در پاسداشت] گروه‌های فرودست و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند: زمینگیران، نیازمندان، گرفتاران، و دردمندان. در این طبقه محروم، گروهی خویشند داری می‌کنند و گروهی دست نیاز به دیگران دراز می‌نمایند. پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این گروه معین فرموده است؛ یعنی بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله زمین‌های غنیمی اسلام را در هر شهر به گروه‌های فرودست اختصاص بده. توزیع عادلانه ثروت بیت‌المال مهم‌ترین عامل تأمین عدالت اجتماعی بود که در صدر اسلام رعایت می‌شد. امام علی علیه‌السلام این امر را رعایت کرد و دیگران را نیز به این کار سفارش نمود. دوزن نزد علی علیه‌السلام آمدند و گفتند: ای امیرمؤمنان! ما فقیر و مسکین هستیم. فرمود: «حق شما بر عهده ما و مسلمانان توانمند واجب شده است. اگر در گفتار خویش راستگو باشید.^۲

^۱ دانش‌نامه امام علی علیه‌السلام، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۹۳

^۲ دانش‌نامه امام علی علیه‌السلام، ج ۷، ص ۸۳

بدین‌سان، حضرت فهماند که در حکومت علوی، بیت‌المال باید به صورت عادلانه تقسیم شود؛ چراکه نتیجه آن فقرزدایی و حمایت از قشر آسیب‌پذیر جامعه است.

«به طور طبیعی هر کس با کوشش خود و با رعایت قوانین و ضوابط زندگی اجتماعی، ادامه حیات و سایر بهره‌مندی‌ها از مواهب طبیعی را برای خود تأمین می‌کند و فقط برای کسانی که از کار افتاده‌اند و پس‌انداز کافی ندارند یا به سبب حوادث غیرمنتظره‌ای مانند سیل، زلزله، بیماری، یتیمی، قحطی و... نمی‌توانند درآمد کافی برای امرار معاش به دست آورند، باید چاره‌ای اندیشید.»

از این‌رو، ادای حقوق فقیران و همیاری عمومی روش دیگری است که اسلام برای حمایت از افراد فقیر و آسیب‌پذیر جامعه پیش‌بینی کرده است. اسلام به ثروتمندان و توانمندان سفارش کرده است که از محرومان جامعه حمایت کنند. این امر پاداش الهی را در پی دارد. امام علی علیه‌السلام فرمودند: «خدای سبحان روزی فقیران را در اموال توانگران مقرر داشته است، پس هیچ فقیری گرسنه نمی‌ماند، مگر آنکه توانگری حق او را از وی باز دارد و خداوند توانگران را بدین سبب بازخواست می‌کند.»

در اسلام راه کارهای دیگری مانند ایجاد اشتغال، موقوفات، کفارات، فرض‌الحسنه، زکات، خمس، و صدقه نیز در جهت حمایت از افراد محروم و زیان‌دیده پیش‌بینی شده است که از عوامل مؤثر پیش‌گیری از جرم و کاهش بزه‌دیدگی به شمار می‌روند. در اندیشه حقوقی اسلام، حمایت از بزه‌دیدگان اختصاص به مسلمانان ندارد، بلکه هر شهروندی که در قلمرو حکومت اسلامی زندگی می‌کند، باید از جان، مال و ناموسش حراست شود. بر اساس همین مبنا بود که حضرت علی علیه‌السلام وقتی شنید لشکریان معاویه در شهر انبار خلخال را از پای زن یهودیه که در پناه اسلام بود درآورده‌اند، فرمود:

اگر مرد مسلمان، از غم چنین حادثه‌ای بمیرد، چه جای ملامت است که در دیده من شایسته کرامت است.

گستره حمایت از بزه‌دیدگان و راه کارهای آن

همان‌گونه که اشاره شد، حمایت از بزه‌دیدگان و تسکین ناملایمات روحی آنان، از مبانی ارزشی، اجتماعی و... برخوردار است و این‌گونه حمایت‌ها موجب می‌شود که بزه‌دیده اقتدار و شخصیت خویش را بازیافته و از افسردگی اجتماعی و قربانی شدن مجدد رهایی یابد و در یک کلام، به وضعیت ماقبل جنایی برگشته و دست به انتقام‌های فردی و واکنش‌های خصمانه نزند. حال این سؤال مطرح است که راه کارهای عملی حمایت از بزه‌دیدگان چیست و در چه فرایندی می‌توان به بزه‌دیده کمک نمود؟ در همین زمینه، یکی از اندیشمندان می‌نویسد: «حمایت از بزه‌دیدگان اصولاً در سه مرحله قابل تصور است:

(۱) حمایت از بزه‌دیده بلافاصله پس از تحقق جرم این مرحله شامل مساعدت‌های پزشکی و تسکین ناملایمات روحی - روانی است.

(۲) حمایت از بزه‌دیده در مرحله دادرسی.

(۳) حمایت از بزه‌دیده در امر تأمین و جبران ضرر و زیان^۱

بزه‌دیدگان شایسته بهره‌مندی و حمایت از حقوقی در فرایند سیاست جنایی‌اند تا بتوانند در جهت دسترسی به عدالت و جبران آسیب‌ها و زیان‌دیدگی‌های خود اقدام کنند. در ذیل، به برخی از مهم‌ترین حقوق بزه‌دیده و حمایت از آن اشاره می‌شود:

^۱ عبدالعلی توجهی، «سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیدگان»، مجتمع آموزش عالی قم، ۴، ص ۳۳

خدمات رسانی مناسب

یکی از انواع مهم حمایت از بزه‌دیده خدمات و کمک‌رسانی مناسب می‌باشد. کمک‌رسانی به بزه‌دیده جنبه‌های گوناگونی دارد که برجسته‌ترین آنها، حمایت‌های مادی، پزشکی، روان‌شناسانه و اجتماعی است. هدف این خدمات‌رسانی عبارت است از کمک به بزه‌دیدگان برای مقابله با آسیب عاطفی، مشارکت در فرایند عدالت جنایی برای به دست آوردن جبران خسارت و مقابله با دشواری‌های بزه‌دیدگی. بدون تردید، تحقق این کمک‌رسانی در گرو دستیابی به تأسیس و تجهیز یک سیاست جنایی واحد در قبال قربانیان جرم است که خود نیازمند همکاری، هماهنگی و تعامل نهادهای رسمی و غیررسمی، به ویژه مشارکت نظام عدلی غیررسمی و ظرفیت‌های موجود جامعه مدنی است.

الف. حمایت تقنینی و قضایی: از دیدگاه سیاست جنایی، دولت در سه سطح تقنینی، قضایی و اجرایی با هماهنگی و مشارکت جامعه مدنی می‌تواند به حمایت از بزه‌دیدگان جامعه عمل بپوشاند. وضع قوانین جامع، کارآمد و شفاف (اعم از ماهوی و شکلی) با تأکید بر شخصیت بزه‌دیدگان و آسیب‌پذیری برخی از آنها، مانند زنان و کودکان به دلایلی همچون جنس و سن، و پیش‌بینی ضمانت اجرایی مشخص و معمولاً «کیفری»، ترسیمی از الگوی حمایتی است که باید در این سطح در نظر گرفته شود. حمایت کیفری از رهگذر سازوکاری به نام «جرم‌انگاری» رایج‌ترین و سنتی‌ترین گونه حمایت از بزه‌دیدگان در چارچوب سیاست جنایی تقنینی شناخته می‌شود. با توجه به وضعیت آسیب‌شناسانه بزه‌دیدگان خاص، از جمله زنان، کودکان، سالمندان و ناتوانان، ممکن است قانونگذار

مدنی، اداری، انضباطی و مانند آن در جهت حمایت از بزه‌دیده وضع نماید و به اجرا بگذارد.

ب. حمایت مالی و پزشکی: یکی از برجسته‌ترین گونه‌های حمایت از بزه‌دیدگان و کمک‌رسانی به آنان، حمایت مالی است که از آن معمولاً به «جبران خسارت و پرداخت غرامت» یاد می‌شود. این نوع حمایت ممکن است به دلیل آسیب ناشی از جرم به دارایی‌های بزه‌دیده از طریق سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری و مانند آن، یا در پی آسیب‌های بدنی یا روانی وارد بر او در قالب ضرب و جرح ضرورت پیدا کند.

چون برخی از جرم‌ها به آسیب بدنی یا روانی بزه‌دیده می‌انجامد، درمان پزشکی این آسیب‌ها برجسته‌ترین و ضروری‌ترین گونه حمایت از چنین بزه‌دیدگانی شناخته می‌شود. حمایت پزشکی ممکن است در درمان‌های فوری (اورژانسی) ضرورت پیدا کند. در این صورت، دریافت گواهی پزشکی برای پیگیری‌های قضایی بعدی بسیار اهمیت دارد؛ چراکه بیشتر وقت‌ها، این گواهی تنها مدرکی است که قربانی برای اثبات خسارت متحمل شده در اختیار دارد. تصدیق‌های اولیه پزشکی (cml) برای قربانیان که بعداً پیگیری‌های قضایی را دنبال می‌کنند از اهمیت اساسی برخوردار است^۱ همچنین، این حمایت ممکن است به شکل درمان‌های عادی یا درمان پزشکی عمومی باشد. این درمان‌ها، به ویژه در خشونت‌های خانگی و در مواردی مانند کودک‌آزاری، بسیار اهمیت دارد. در نهایت، حمایت مالی و پزشکی - در چارچوب درمان فوری یا درمان عادی - نه تنها آسیب‌های بدنی برآمده از جرم، بلکه آسیب‌های روانی برخاسته از جرم را نیز پوشش می‌دهد.

^۱ ژینا فیلیزولا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ص ۱۲۵

ج. حمایت عاطفی و روانی: هر جرمی گذشته از خسارت‌های مادی، آزرده‌گی خاطر بزه‌دیده را نیز به همراه دارد، به گونه‌ای که روح و روان افراد را جریحه‌دار می‌نماید و اگر به موقع ترمیم نگردد، به افسردگی و درد و رنج عاطفی و حیثیتی می‌انجامد و ممکن است به شکل ترس، خشم، کینه و مانند آن جلوه‌گر شود. واکنش‌های نام‌برده معمولاً جزو تأثیرپذیری‌های آغازین از جرم دانسته می‌شوند که پس از رویداد جنایی بی‌درنگ نمایان شده، به روشنی اثبات‌پذیرند.^{۳۴}

این آزرده‌گی خاطر که از آسیب به عواطف و احساسات فرد یا حیثیت شخص برمی‌خیزد و در جرم‌های مختلف بازتاب‌های گوناگونی دارد، حمایت‌های عاطفی و روانی را می‌طلبد تا رنج و آلام بزه‌دیده را کاهش داده و او را از نظر روحی و روانی تقویت نماید.

تأمین امنیت

یکی از حقوق اساسی بزه‌دیدگان تأمین امنیت آنان در فرایند رسیدگی جنایی است. از این‌رو، باید راه‌کاری برای کاهش گرفتاری‌ها و دردهای بزه‌دیدگان، حمایت از زندگی خصوصی آنان هنگام ضرورت، و تضمین امنیت خود و خانواده‌شان و گواهان آنان در برابر تهدید و انتقام‌اندیشید. چاره‌اندیشی درباره این تدبیر یکی دیگر از حمایت‌هایی است که باید در هنگام وضع قانون لحاظ گردد. حق امنیت به معنای عام آن، که شامل امنیت جانی، عرضی و مالی و نیز سیاسی و اجتماعی و همچنین امنیت روانی فرد و جامعه است، به عنوان مهم‌ترین حق پس از حق حیات برشمرده شده است. در حقیقت، امنیت به عنوان هدف انسانی در حکم نخستین مؤلفه سعادت در کنار آسایش است.

اهمیت امنیت برای یک جامعه در آموزه‌های دینی به حدی است که نخستین تقاضای حضرت ابراهیم علیه‌السلام از خداوند برای شهر مکه امنیت است: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ

اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ؛^۱ به یاد آورید زمانی را که ابراهیم گفت: پروردگارا این شهر (مکه) را شهر امنی قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش بت‌ها دور نگاه دار. این نشان می‌دهد که نعمت امنیت نخستین شرط برای زندگی انسان و سکونت در یک منطقه، و برای هرگونه عمران و آبادی و پیشرفت و ترقی است. اگر جایی امن نباشد قابل سکونت نیست، هرچند تمام نعمت‌های دنیا در آن جمع باشد. اصولاً هر شهر و دیار و کشوری که فاقد نعمت امنیت باشد همه نعمت‌ها را از دست خواهد داد.^۲ اگر امنیت نباشد زمینه برای ارتکاب جرم و رشد جانیان فراهم شده و آمار بزه‌دیدگی افزایش می‌یابد؛ چراکه بزه‌دیدگان به دلیل آسیب‌های احتمالی جرئت رویارویی با بزه‌کاران و اظهار شکایت به مراجع قضایی را از دست می‌دهند و بدین‌سان، زمینه برای گسترش جرایم و وقوع بزه‌دیدگی فراهم می‌گردد.

حمایت از حق حیات

در رأس همه حقوق اولیه و اساسی، حق حیات قرار دارد. اعتبار و مشروعیت همه حقوق انسانی متکی به این حق می‌باشد. به عبارت دیگر، پایه و مبنای همه حقوق، حق حیات است، که شناسایی و احترام به آن تار و پود حقوق فطری و طبیعی را تشکیل می‌دهد. حق حیات تنها از سوی خداوند به انسان بخشیده شده است و از این‌رو، تنها خداوند می‌تواند در آن تصرف کند. پس انسان علاوه بر اینکه حق حیات دارد، مسئولیت حفظ جان و سلامت خود را نیز بر عهده دارد. از این‌رو، خودکشی و مرگ‌های انتخابی (اتانازی) حرام است و این مسئولیت تا بدانجا اهمیت دارد که ضرر جسمانی یا روانی سبب سقوط برخی تکالیف دینی می‌گردد. بی‌تردید، حق حیات در مکتب اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

^۱ ابراهیم: ۳۵

^۲ ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ۱۳۸۱، ج ۱۰، ص ۳۶۷

است. تا زمانی که این حق برای افراد یک جامعه تأمین نگردد جای بحث سایر حقوق نخواهد بود. قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام کشتن انسان‌ها را به شدت مذمت نموده‌اند، تا آنجا که قرآن، گناه کشتن یک انسان را همانند کشتن همه انسان‌ها می‌داند^۱ ماده ۲ «اعلامیه اسلامی حقوق بشر» در بند الف این گونه مقرر می‌دارد: «زندگی موهبتی الهی و حقّی است که برای هر انسانی تضمین شده است و بر همه افراد و جوامع و حکومت‌ها واجب است که از این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی جایز نیست».

حمایت از بزه‌دیده در سیاست کیفری اسلام

اسلام به عنوان دین جامع که ریشه در فطرت آدمی دارد و به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی بشر نازل شده است، حمایت از بزه‌دیدگان را در ابعاد وسیع سرلوحه سیاست کیفری خود قرار داده و پدیده‌هایی همچون جرم، مجرم، مجازات و بزه‌دیده را در ارتباط با هم و با سایر مقررات این دین و سیاست جنایی لحاظ نموده است. مجموعه مقررات و احکام کیفری اسلام، مانند سایر اجزای این مجموعه بر اساس جهان‌بینی واقعی و به ویژه انسان‌شناسی مبتنی است؛ چه اینکه واضع احکام و آموزه‌های اسلامی خالق تمام هستی و از جمله انسان است و بر همه زوایای وجودی او احاطه دارد و برای تنظیم و سامان‌دهی حیات بشر، حفظ نظم عمومی و تحقق عدالت در حیات اجتماعی، مقررات جامع را وضع و ضمانت‌های اجرایی آن را بیان نموده است. بدون تردید، یکی از اساسی‌ترین حقوق افراد حق حیات و زندگی است که نظام کیفری اسلام راه‌کارهای بنیادین را برای حفظ و حراست از آن ارائه داده است. تبیین سیاست کیفری اسلام در

جهت حمایت از این حق مهم، مستلزم بیان سیاست جنایی اسلام در موارد قتل عمد، شبه عمد، و خطا و نیز اصول راهبردی است که اسلام به منظور تأمین امنیت، حفظ حق حیات و جبران خسارت بزه‌دیده مقرر داشته است.

حمایت از بزه‌دیدگان در اسناد بین‌المللی

بررسی جنبش حمایت از بزه‌دیدگان، به رغم نوپایی آن، نشان می‌دهد که در مدت زمان کوتاهی جایگاه شگرف داشته و توجه جامعه جهانی را به خود معطوف نموده است. با توجه به یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی و تأثیر شگرفی که جنبش‌های حمایت از بزه‌دیدگان بر سیاست جنایی جامعه بشری در قبال قربانیان جرم داشتند، زمینه ارتقا و شکوفایی آن در سطوح بین‌المللی فراهم شد و اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان به تدریج صبغه جهانی گرفت و در اعلامیه سازمان ملل تحت عنوان «اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت» منعکس گردید. این اعلامیه که بر اساس توصیه کنگره هفتم (مبنی بر پیش‌گیری از جرم و اصلاح بزه‌کاران) در نوامبر ۱۹۸۵ توسط مجمع عمومی پذیرفته شد و طی قطعنامه شماره ۴۰/۳۴ ارائه گردید، متضمن ۲۱ ماده در رابطه با حمایت از بزه‌دیدگان است که هر بند از آن افق جدیدی را در جهت حمایت از بزه‌دیدگان در عرصه جهانی می‌گشاید.

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل نیز در قطعنامه ۱۹۸۹/۵۷ در ۲۴ مه ۱۹۸۹ راه‌های عملی و اجرایی اعلامیه یادشده را بررسی، و دستورالعمل‌هایی را در این زمینه صادر نمود. در این قطعنامه از همه کشورهای عضو خواسته شده است که با تخصیص بودجه لازم، امکان عملی شدن مواد اعلامیه و اصول اساسی عدالت را برای بزه‌دیدگان فراهم نمایند. ماده ۱ اعلامیه مزبور، با تعریف «بزه‌دیده»، وی را شخصی می‌داند که در پی

فعل‌ها و ترک فعل‌های ناقض قوانین کیفری دولت‌های عضو، به صورت فردی یا گروهی به آسیب، اعم از فیزیکی و روانی، و آسیب‌های هیجانی، ضرر اقتصادی یا لطمه به حقوق اساسی دچار شده‌اند.

در ماده ۲ اعلامیه، حمایت از بزه‌دیده و جبران خسارت وی، به تعقیب، دستگیری یا محکومیت مجرم منوط نشده و حتی در شرایطی که متهم به جرم، مجرم شناخته نشود یا دستگیر نگردد، قربانی جرم باید به امتیازات و حقوق قانونی خود دست یابد. ماده ۳ اعلامیه، حمایت از بزه‌دیدگان و تسکین ناملايمات روحی و فیزیکی را برای همه قربانیان جرم قابل اعمال دانسته، می‌گوید: این مقررات باید برای همه بزه‌دیدگان، بدون ملاحظه هیچ نوع تفاوت و امتیازی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، سن، زبان، مذهب، ملیت، گرایش سیاسی، اعتقادات، عملکرد فرهنگی، دارایی، موقعیت‌های خانوادگی یا قومی و ضعف و ناتوانی‌ها، قابل اعمال باشد.

اعلامیه یادشده پس از تعریف بزه‌دیدگان و ضرورت حمایت از حقوق قانونی آنها، به راه کارهای عملی همچون دسترسی آسان بزه‌دیده به مراجع قضایی، آگاهی از حقوق و موازین قضایی خویش، اجازه اظهارنظر، و سرعت در دادرسی بزه‌دیدگان پرداخته است. (مواد ۴، ۵ و ۶) در ماده ۷ سازوکارهای غیردولتی برای حل و فصل اختلافات، از جمله میانجی‌گری، داوری و اقدامات عدالت‌خواهانه عرفی را برای مصالحه و تسریع بخشی جبران خسارت بزه‌دیدگان پیش‌بینی نموده است. این ماده بیانگر این واقعیت است که در برخی از موارد حمایت از حقوق بزه‌دیدگان از طریق میانجی‌گری‌های مرسوم، به مراتب سریع‌تر و صحیح‌تر تأمین می‌گردد، بدون آنکه لازم باشد بزه‌دیده از فرایند طولانی و پیچیده دستگاه قضایی عبور نماید. در ماده ۹ به ضمانت اجرای حمایت از بزه‌دیده پرداخته

و از دولت‌ها می‌خواهد که جبران خسارت را به عنوان یک ضمانت اجرای مجازات در کنار سایر ضمانت‌ها به رسمیت بشناسند و آن را مورد توجه قرار دهند. در ماده ۱۲ اندیشه جبران خسارت بزه‌دیده با هزینه دولت را در مواردی که جبران خسارت بزه‌دیده به صورت کامل از سوی مجرم بنا به دلایلی (فقر یا فرار وی) عملی نباشد مطرح کرده و از دولت‌ها می‌خواهد که در چنین شرایطی، مستقیماً تلاش نمایند تا به نحوی خسارت مالی را تأمین کنند و بزه‌دیده را به وضعیت عادی قابل قبول برگردانند.

در مواد ۱۴-۱۷ به ابعاد مختلف حمایت از بزه‌دیدگان از قبیل کمک‌های دارویی، روانی، اجتماعی و سایر مساعدت‌های لازم در خصوص قربانیان جرم و تأمین آنها اشاره شده است. مواد ۱۸-۲۱ دولت‌ها را مکلف ساخته است که در برابر سوءاستفاده‌کنندگان از قدرت و نقض قوانین بین‌المللی و حقوق بشر سیاست واحد و منسجم را اتخاذ کنند و با اقتدار تمام از بزه‌دیدگان حمایت نموده و در برابر معترضان، اعم از دولتی یا غیر آن، اعمال قدرت نمایند. ناگفته پیداست که تدوین قوانین روشن در جهت حمایت از بزه‌دیدگان و شیوه احقاق حقوق آنها گام نخست است. قدم بعدی و مؤثر، اصول راهبردی و دستورالعمل‌های اجرایی آن می‌باشد که تاکنون محقق نشده است؛ زیرا با وجودی که شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در قطعنامه شماره ۱۹۸۹/۵۷ در ۲۴ مه ۱۹۸۹ دستورالعمل‌های اجرایی اعلامیه مزبور را تهیه کرده، متأسفانه هنوز تعداد قابل توجهی از کشورها به دلایل گوناگون، از جمله دربر داشتن بار مالی نسبتاً زیاد، وجود تعصبات قومی و فرهنگی و همچنین افول ارزش‌های اخلاقی و انسانی، مفاد اعلامیه را به صورت کامل وارد حیطه کاربردی سیاست جنایی خویش ننموده‌اند.^۱ بنابراین، اعلامیه سازمان ملل از این

^۱ عبدالعلی توجهی، «جایگاه حمایت از بزه‌دیدگاه در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی» مجتمعه آموزش عالی قم ۹،

منظر نقص بسیار جدی دارد و نمی‌تواند از حقوق بزه‌دیدگان حمایت کرده و احتمال بزه‌دیدگی مجدد را کاهش دهد.

نتیجه گیری

در اواخر جنگ جهانی دوم و بلافاصله بعد از آن به تدریج شاهد تولد دانش «بزه‌دیده-شناسی» هستیم. از این زمان به بعد بود که حقوق بزه‌دیدگان، کانون توجه جرم‌شناسی و سیاست جنایی قرار گرفت. علی‌رغم نوآوری‌های بسیار ق.آ.د.ک در زمینه بزه‌دیدگان، در مقایسه با مقررات دیوان، نارسایی‌های در این زمینه در ق.آ.د.ک به چشم می‌خورد که عدم شناسایی صریح اشخاص حقوقی به‌عنوان بزه‌دیده، عدم اتخاذ تدابیر مناسب در زمینه برخورداری از حق داشتن وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات، عدم بهره‌مندی بزه‌دیده از مراقبت‌ها و حمایت‌های پزشکی و روانی مناسب، لحاظ نکردن تدابیر حفاظتی بایسته از بزه‌دیده و خانواده‌ی وی؛ به‌ویژه در قبال تهدیدهای احتمالی، وجود مشکلات ناشی از ابلاغات باز و بدون لفاف در جهت مکتوم ماندن هویت و اسرار کششگران دعاوی کیفری، از زمره‌ی این موارد محسوب می‌گردد. اگرچه تدوین‌کنندگان ق.آ.د.ک به حقوق و حمایت‌هایی بدون سابقه‌ی قبلی اشاره نموده‌اند که این خود موجب شده است که درمجموع این قانون، گامی روبه‌جلو قلمداد گردد، اما در نظر نگرفتن ضمانت اجرای بایسته برای نادیده گرفتن حقوق بزه‌دیدگان؛ همچون لغو و ابطال اقدامات و تصمیمات اتخاذی، علاوه بر ضمانت اجرای پیش‌بینی‌شده برای تخلفات کارگزاران عدالت کیفری که دربردارنده‌ی مصالح و منافع بزه‌دیده هم باشد و سرانجام، فقدان پیش‌بینی «صندوق حمایت از بزه‌دیدگان» به شکلی که در لایحه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان قوه‌ی قضاییه و

وجود فصلی مجزا راجع به حقوق و حمایت‌های بزه‌دیدگان است، اما عمده‌ترین چالش و مشکلی که دیوان در بیش از یک دهه‌ای که از اشتغال به کار آن می‌گذرد در این باره با آن مواجه بوده است، عدم ثبات و انسجام عملکرد دیوان در راستای مشارکت بزه‌دیدگان؛ به‌ویژه در مراحل تعقیب و تحقیق است. علاوه بر این، حضور و مشارکت نامنظم و بدون بهره‌مندی از ارشاد و معاضدت درست و کافی؛ در مجموع، تاکنون مشارکتی تقریباً، نمادین را برای بزه‌دیده، جلوه‌گر بوده است.

با عنایت به اینکه ق.آ.د.ک به تأسی از مطالعات تطبیقی و در موارد خاص، حق اعلام جرم و مشارکت در رسیدگی را برای سازمان‌های مردم‌نهاد مورد پذیرش قرار داده است، پیشنهاد می‌گردد برای جلوگیری از نظری و نمایشی تلقی شدن این موضوع و هم در خصوص به رسمیت شناختن بزه‌دیدگان غیرمستقیم و شفاف‌سازی ضرر و زیان‌های قابل مطالبه؛ از طریق تدابیر آیین‌نامه‌ای، سازوکارهایی شفاف عملی ارائه شود. در راستای حفظ هویت و اسرار بزه‌دیدگان، برگزاری دوره‌های آموزشی منظم برای کارکنان و اخذ تعهدات و تضمینات لازم از آنان، اطمینان بخشی به بزه‌دیدگان راجع به مکث ماندن هویت و محتویات پرونده‌ها و امنیت سامانه‌های رایانه‌ای، تغییر در رویه‌ی نادرست ابلاغات باز (بدون لفاف) ضروری است. با توجه به اهمیت و نو بودن مقررات ق.آ.د.ک درباره بزه‌دیدگان باید با استفاده از تجارب دیوان، آگاه‌سازی عمومی راجع به حق‌های بزه-دیدگان از طریق رسانه‌های صوتی و تصویری، مطبوعات، بروشورها و پایگاه‌های اینترنتی توسعه یابد. مهم‌تر اینکه باید با بازنگری در برخی ضمانت اجرای نقض حق‌های بزه‌دیده، تدابیری نظیر «بطلان اقدامات» را در کنار جرم و تخلف شناخته شدن این نقض‌ها مدنظر قرار داد. در پایان، ضرورت دارد هم در دکتین حقوق کیفری و هم در اقدامات تقنینی و

نیز در رویه‌ی قضایی، استانداردها و سازوکارهای بایسته به‌منظور ایجاد هم‌ترازی میان حق‌های بزه‌دیده و متهم، تبیین گردد.

از آنچه که بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که حمایت از قربانیان جرم می‌تواند نقش اصلی را در کاهش پدیده‌های مجرمانه ایفا کرده، در تحقق عدالت کیفری، بازسازی شخصیت بزه‌دیده و تأمین خسارت‌های مادی و معنوی وی تأثیرگذار باشد. سیاست کیفری اسلام به منظور حمایت از اساسی‌ترین حق بزه‌دیده (حق حیات) و جبران خسارت او و در نهایت، حفظ نظم عمومی و عدالت اجتماعی، سازوکارهای بی‌بدیلی را در عرصه نظام حقوقی ارائه داده است. جواز قصاص در قتل عمد، پرداخت دیه، و در مواردی عفو برای عدالت ترمیمی، از روش‌هایی است که سیاست جنایی اسلام برای حفظ حق حیات و جبران خسارت قربانی جرم و اولیای دم مقرر داشته و برای تکمیل و اجرایی کردن این سیاست‌ها، نهادهای اساسی همچون «ضمان اقارب»، «ضمان عاقله» و «بیت‌المال» را پیش‌بینی کرده است، تا به هر صورت ممکن حمایت از حق بزه‌دیده تحقق یابد و حرمت خون انسان‌ها حفظ گردد.

سازمان ملل نیز با تأثیرپذیری از جنبش‌های حمایت از بزه‌دیدگان و مؤسسات وابسته به آنها، قوانین و سازوکارهای قضایی، دولتی و عرفی را در جهت حمایت از حقوق بزه‌دیدگان و تسکین ناملایمات آنان وضع کرده و دولت‌ها را ملزم به رعایت آن نموده است. اما در عمل چندان موفق نبوده است؛ زیرا اولاً، این قوانین بیشتر بر بعد شکلی حمایت از حقوق بزه‌دیدگان و فرایند دادرسی آنها تکیه دارد تا جنبه ماهوی؛ و ثانیاً، به دلیل منافع سیاسی کشورها و حاکم نبودن روح ارزش و معنویت کمتر مورد پذیرش و استقبال کشورهای عضو قرار گرفته است.

منابع و مآخذ

۱. آلتمن، اندرو (۱۳۸۵) درآمدی بر فلسفه حقوق، ترجمه بهروز جندقی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۲. آنسل، مارک (۱۳۷۵) دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، دانشگاه تهران
۳. بای، حسینعلی (۱۳۸۴) «مبانی پرداخت دیه از بیت‌المال»، فقه و حقوق ۵
۴. پرادل، ژانی (۱۳۷۰) تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی
۵. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، درآمدی بر حقوق اسلامی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱، چ سوم.
۶. توجهی، عبدالعلی (۱۳۸۰) «جایگاه حمایت از بزهدیدگان در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، مجتمع آموزش عالی قم
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۷) مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش
۸. حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۵) «از جبران خسارت بزهدیده توسط بزهدکار...»، فقه و حقوق
۹. خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، قم، اسماعیلیان، بی‌تا.
۱۰. دانش‌نامه امام علی علیه‌السلام، زیر نظر علی اکبر صادقی رشاد، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، چ دوم.

۱۲. عبدالفتاح، عزت (۱۳۷۱) «از سیاست مبارزه با بزه‌کاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده»، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی و سوسن خطاطان، قضایی و حقوق ادگستری
۱۳. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱) تفصیل الشریعہ (کتاب القصاص)، قم، مرکز فقه ائمه اطهار علیهم السلام
۱۴. فیض، علیرضا (۱۳۷۹) مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۵. فیلزولا، ژینا (۱۳۷۹) بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الله کرد علیوند و احمد محمدی، تهران، مجد
۱۶. گسن، ریموند (۱۳۷۰) مقدمه بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کینیا، تهران، علامه طباطبائی
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳) بحارالانوار، بیروت، الوفا
۱۸. مفتاح، محمد صالح، بایسته‌های پیش‌گیری از وقوع جرم، به نقل از: سایت باشگاه اندیشه، www.andishe.net.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۸۱) تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۲۰. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷) جواهرالکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ سوم.
۲۱. نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی، بی‌تا، چ چهارم.